

اثر حاضر در سه بخش عمده فصل‌بندی شده است:

۱) شرایط سیاسی و اجتماعی که این بخش از صفحه ۲۱ آغاز و در صفحه ۱۲۵ خاتمه می‌یابد. مؤلف در این بخش مباحثی از قبیل سرچشمه‌های انحراف، منطق سقیفه، روش عمر در تقسیم بیت‌المال، سیاست مالی عثمان، تسلط بنی‌امیه، آریستوکراسی دینی، برنامه حکومتی امیرمومنان، وضع عراق، فشار اقتصادی بر شیعیان و... را مورد بحث قرار داده و با تکیه بر اسناد و اطلاعات به تحلیل آنها پرداخته است.

۲) انگیزه‌های قیام. این بخش از صفحه ۱۲۵ شروع و در صفحه ۱۸۶ تمام می‌شود.

مؤلف در این بخش تئوری و روش اصلی خود را مطرح کرده است و مباحثی از قبیل روش امام حسین (ع) در برابر سیاست بنی‌امیه، علت عدم قیام امام (ع) در زمان معاویه، تحلیل شخصیت معاویه و یزید، انگیزه‌های انقلاب از نظر حسین (ع) و مطالب دیگر را مطرح کرده است.

۳) آثار انقلاب حسین (ع) در حیات جامعه اسلامی. مؤلف محترم در این بخش (شامل صفحات ۱۸۷-۲۷۷) به ارزیابی آثار قیام عاشورا پرداخته و در این راستا به ذکر انقلابی‌هایی پرداخته است که به دنبال قیام عاشورا در عراق و سایر شهرهای اسلامی رخ داده است. در میان این قیام‌ها می‌توان از قیام تولین، قیام مختار، قیام عبدالله بن زبیر و چند قیام دیگر یاد کرد.

انگیزه‌های مؤلف در تالیف این کتاب

آیه‌الله محمد مهدی شمس‌الدین (ره) در بیان علل و انگیزه‌های خود که مقدمات تالیف حاضر را فراهم آورد چند عامل را متذکر می‌شود:

۱) آشنا ساختن مخاطبان با تاریخ انقلاب‌های اصیل اسلامی. مؤلف در این باره می‌نویسد: «در این کتاب کوشش کرده‌ایم قیام امام حسین (ع) را با توجه به جوانب مختلف آن مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم لذا شرایط اجتماعی و سیاسی خاصی که انقلاب در قلمرو آن اتفاق افتاد، اوضاع و احوالی که موجب انقلاب شد، و نیز آثاری که این انقلاب در حیات جامعه‌ی اسلامی از خود برجای گذاشت، همه را مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم و این نخستین قسمت از سلسله کتبی است که امیدواریم به توفیق الهی درباره‌ی انقلاب‌های تاریخ اسلامی منتشر سازیم.»^۱

۲) عدم توجه به انقلاب‌های تاریخ اسلام به زعم مؤلف. مؤلف بر این نظر است که درباره تاریخ انقلاب‌های اسلامی تحقیق چندان به عمل نیامده است و آن بخش هم مورد توجه قرار گرفته تنها نقل تاریخ این انقلاب‌ها را مدنظر قرار داده‌اند. «به عقیده‌ی ما انقلاب‌های تاریخ اسلام، آن چنان که باید مورد توجه و عنایت مورخان و متفکران، اعم از قدیم و جدید واقع نشده است. مورخان، فقط به نگارش تاریخ حکومت‌های وقت که همواره تلاش می‌کردند رنگ اسلامی و قانونی به خود بدهند، می‌پرداختند و نهضتها و انقلاب‌ها را - که جنبه‌ی دیگر مسئله حکومت در اسلام است - به صورت ضمنی و جنبی و بلکه در بسیاری از موارد با روحیه خصمانه، مورد بحث قرار می‌دادند.»^۲

معرفی و نقد

ارزیابی انقلاب امام حسین (ع)

کتابی که به معرفی آن می‌پردازیم اثری است که انقلاب حسین (ع) را از زوایای مختلف به‌ویژه به لحاظ سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده است. مؤلف مباحث کتاب از «منطق سقیفه» و «روش عمر در تقسیم بیت‌المال» و «مسئله شوری» شروع کرده است. مؤلف در صدد پاسخگویی به این سوالات است که انقلاب حسین (ع) از کجا سرچشمه گرفته است؟ چرا امام حسین (ع) دست به قیام زد؟ و بالاخره این قیام چه نتایجی در برداشته است؟

○ علی قنبری

○ ارزیابی انقلاب امام حسین (ع)

○ محمد مهدی شمس‌الدین

○ ترجمه مهدی پیشوایی

○ الست فردا، تهران، ۱۳۸۰

بطن حوادث و شرایط و وقایع پیرامونی بررسی می‌کند و دیدگاهی که درصدد منتزع ساختن امور بوده آنها را به طور مستقل مورد تحقیق و تحلیل قرار می‌دهد. البته جای سؤال است که آیا چنین امری اصولاً امکان‌پذیر هست یا نه؟ اما به قطع و یقین می‌توان گفت که دیدگاه اول قابل قبول است و امکان وقوع دارد.

با توجه به دیدگاه دوم می‌توان این نکته را بازگو کرد که زمان و مکان و شرایط و اوضاع حاکم بر آن در نوع انتخاب و گزینش نوع نگرش و زاویه دید مؤثر خواهد بود. اگر به تاریخ عاشورا اندک گذری بکنیم تاثیر مکان و زمان را در دیدگاه‌های ارایه شده خواهیم یافت؛ شریعتی به تاثیر از رشته تحصیلی و اوضاع جامعه دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ایران به عاشورا رهیافت اجتماعی داشته، مطهری نیز کم و بیش نگره‌ای را بازگو کرده است و امام خمینی (ره) نیز با عنایت وضع زمان و مکان و عینیت عنصر مهمی چون سیاست از جامعه، قرائت سیاسی - اجتماعی از عاشورا به دست داده است. با عنایت به آنچه گفته شد می‌توان نوع نگاه آیت‌... محمد مهدی شمس‌الدین (ره) را تشخیص داد چرا که انسان مسئولی چون ایشان در جامعه‌ای زندگی می‌کند که از نقطه‌نظر سیاسی - اجتماعی سخت آشفته

۳) ردتئوری عدم رشد مسلمانان برای توجیه عدم پرداخت به انقلابهای اسلامی. مؤلف محترم مدعی است که غالب کسانی که به انقلابهای اسلامی پرداخته‌اند، آن را در قالب نگرش اجتماعی طرح نکرده‌اند بلکه بیشتر به آن بخش آن پرداخته‌اند که جوانب روحی - فردی را دربرمی‌گیرد نه حوزه سیاسی - اجتماعی را.^۲

بدین ترتیب مؤلف خود را متعهد می‌داند تا برای جبران کاستی‌های موجود دست به کار شود تا گامی در جهت رفع نواقص بردارد. اثر حاضر اقدامی است که در این راه برداشته شده است.

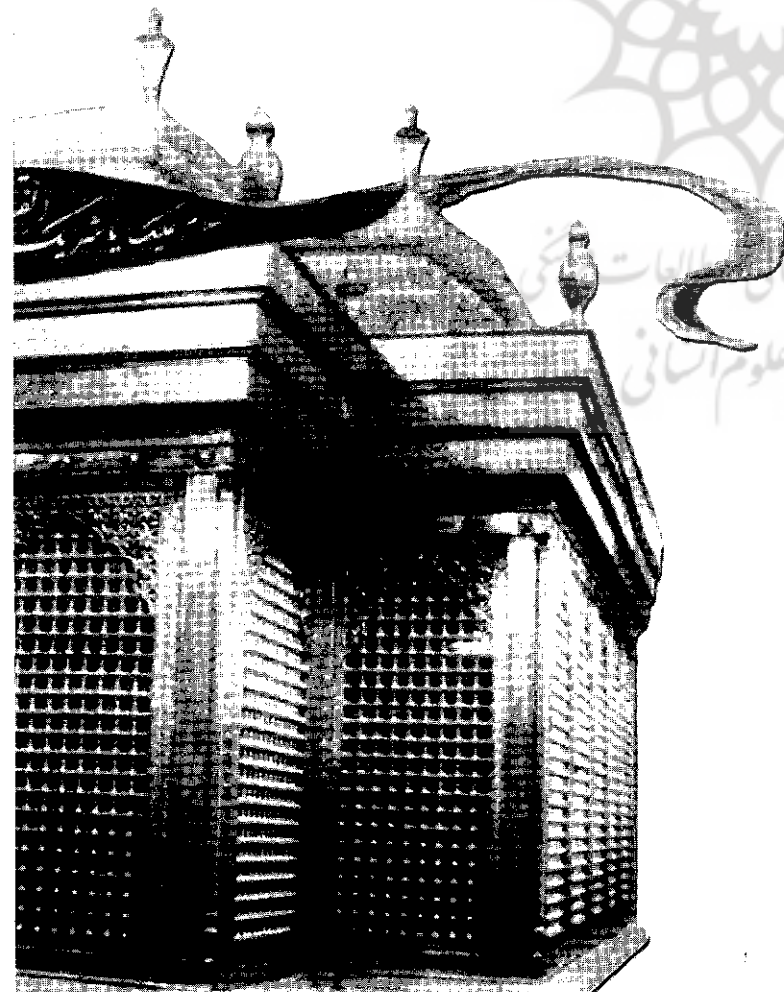
تحلیل نظر مؤلف درباره قیام حسینی

درباره قیام عاشورا نظرات زیادی مطرح شده است. برخی از چشم‌انداز سیاسی، بعضی از چشم‌انداز اجتماعی، گروهی از نقطه‌نظر عرفانی و دست‌های نیز از چشم‌انداز اسطوره به این عظیم دینی - اسلامی نظر کرده‌اند. کتاب ارزیابی انقلاب حسین (ع) با روش تحقیق در تاریخ و مبنا قرار دادن سقیفه به بررسی موضوع پرداخته است.

مترجم فاضل نظر مؤلف محترم را به این صورت بیان کرده است که: «شواهد متعددی نشان می‌دهد که انقلاب امام حسین (ع) پیامد حوادثی بود که پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) تکوین یافت و منجر به انحراف حکومت اسلامی از محور اصلی خود گردید. روی کار آمدن عثمان که اصول حکومت و زمامداری اسلامی و عدالت اجتماعی را زیر پا گذاشت و جامعه‌ی اسلامی را با وضع بحرانی و خطرناکی رو به رو ساخته دسیسه‌های معاویه با موافقت عملی خلفای وقت به قدرت رسیدن معاویه در شام، و بالاخره ماجرای ولیمهدی یزید، همه، امتداد تسلسل حوادث پس از وفات پیامبر (ص) و ریشه‌های انقلاب امام حسین (ع) به شمار می‌روند. از این رو می‌توان گفت که: انقلاب خونین امام حسین حلقه‌ای از زنجیر حوادثی بود که یک سر آن به فاجعه کربلا و سر دیگر آن به ماجرای «سقیفه» منتهی می‌شد و این حلقه در کربلا نیز خاتمه نیافت؛ بلکه سرچشمه انقلابها و قیامهای خونین دیگری گردید.»^۲

بنابراین مؤلف محترم درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر با عنایت به مقدمه فوق برآمده است: انقلاب امام حسین (ع) از کجا سرچشمه گرفت؟ در چه جوی از شرایط اجتماعی و فردی صورت گرفت؟ چرا امام حسن (ع) صلح کرد و امام حسین (ع) جنگ؟ و ...^۳

اگر عاشورا را به عنوان یک متن قابل تفسیر در نظر بگیریم و اگر بپذیریم که این صحنه دارای زاویه‌ها و لایه‌های مختلفی است می‌توان این نتیجه را گرفت که عاشورا را با تکیه بر این زوایا و توجه به لایه‌های گوناگون آن، تفسیر کرد. اما طبیعی است که هر فرد زمینه رجوع به هر یک از زوایای آن را ندارد بلکه در انتخاب یکی از لایه‌ها و زاویه عوامل مختلفی می‌توانند تاثیرگذار باشند. ناگفته نماند که این امر را می‌توان با دو دیدگاه کلی مورد بررسی قرار داد: دیدگاهی که تفسیر یک متن را در



معاویه برای درهم شکستن انقلاب او اتخاذ می‌کرد، این بود که قبل از آن که حسین (ع) بتواند انقلاب خود را عملی سازد و قبل از آن که انعکاس و طنین انقلاب او - به رغم تمایل معاویه در ادامه‌ی سکوت اجتماع - جمله‌ی اسلامی را متلاطم سازد او را مسموم می‌کرد و بدین وسیله خود را از مهلکه نجات می‌داد.^۱

شمس‌الدین علاوه بر عامل زیرکی معاویه به وضع نامناسب زمان معاویه هم به عنوان عامل دیگری اشاره می‌کند و آن را هم از عوامل بازدارنده‌ی امام حسین از دست زدن به انقلاب می‌داند.^۲

اگر بخواهیم نقد و نظر این اثر را مورد ارزیابی قرار دهیم نقاط قوت و ضعف قابل ملاحظه‌ای مشاهده خواهیم کرد که ذیلاً فهرست‌وار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف) نقاط قوت

درباره نقاط قوت این اثر موارد ذیل قابل ذکر است:

۱) کتاب به لحاظ نوع نگارش کاملاً امروزی است و از ادبیات معاصر کاملاً بهره برده است و برخلاف برخی از نویسندگان که کاملاً بر روش سنتی در نگارش کتاب پای بندند، از روشهای نوین و ادبیات جدید استفاده کرده و اثر خود را در قالب آن ریخته است. از این جهت برای خوانندگان عصر حاضر کاملاً مانوس است. به علاوه اثر به گونه‌ای تالیف شده که حتی برخی از طبقات و روابط حاکم بر جامعه اسلامی دهه ۶۰ هجری با دید امروز مورد بررسی قرار گرفته و ادبیات جدید بر آن عصر نیز حاکم شده است به عنوان مثال مؤلف از «آریستوکراسی دینی» نام برده که چنین اصطلاحاتی علیرغم رواج آن در یونان عصر افلاطون، در دوره روشنگری بیشتر مطرح بوده است، اما مؤلف چنین وضعیتی را در عصر عثمان جستجو کرده است.

۲) مؤلف در لرایه مطالب از منابع قدیم و جدید و تئوری‌های مختلف بهره برده است به عنوان مثال در ذکر منابع تاریخی، منابع معتبر را مبنای کار خود قرار داده و در تحلیل‌های خود از آثار امروزی به ویژه آثار مستشرقان بهره‌های فراوان جسته است و این امر بر غنای کتاب افزوده است.

۳) کتاب علیرغم آن که به قلم یک عالم شیعی نوشته شده است اما مؤلف با نحوه پردازش خود، اثرش را از حیطة مذهب خاص فراتر برده به گونه‌ای که نمی‌توان تهمت نگاه یکسویانه را به آن وارد کرد بلکه تحقیق علمی و توجه به عقاید مختلف رنگ غالب در اثر حاضر است.

۴) آوردن فهرست اعلام و توضیحات مترجم در پاورقی‌ها بر استحکام و بهره‌وری آن افزوده است.

ب) نقاط ضعف

اگرچه اثر حاضر از چشم‌انداز سیاسی - اجتماعی به عاشورا نگریسته است اما این نگاه در موارد زیادی کمرنگ شده و با رهیافت‌های دیگر درهم آمیخته شده است. از این جهت کتاب روند خاصی را طی نکرده

شده و ظلم و جور بر مردم حاکم است و این اوضاع و احوال هم‌زمان بوده است با حملات ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی. طبیعی است که وی تحت‌تأثیر این شرایط لایه‌ای از صحیفه قطور عاشورا را بازخوانی کند که مردم را به سوی مبارزه دعوت کند تا ابزارى شود برای اصلاح امور و تزریق روحیه جهاد و شهادت در سرزمینی که بیش‌تر از هر زمان دیگر به چنین امری نیازمند است. بنابر این در دیدگاه شمس‌الدین توجه به مسایل سیاسی - اجتماعی و اصلاح امور مردم جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند.^۳

از دید شمس‌الدین اصلاح وضع جامعه اسلامی از نظر رفاه اجتماعی و اقتصادی و احیای حقوق اسلامی از مهم‌ترین اهداف امام حسین (ع) بوده است. محمدمهدی شمس‌الدین با استناد به وصیت امام حسین (ع) به برادرش محمدبن حنفیه استنباط می‌کند که امام برای دستیابی به اصلاح اجتماعی - سیاسی قیام کرده است آنجا که فرمود: «نبی لم اخرج اشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی» ایشان نتیجه می‌گیرد که امام (ع) برای اصلاح جامعه قیام کرده است و نمود بارز آن در توجه آن حضرت به وضع عمومی مسلمانان خلاصه می‌شود.^۴

البته با توجه به این دیدگاه اصلاح موردنظر امام (ع) تنها به امور معنوی و دینی خلاصه نمی‌شد بلکه با عنایت به جامعه مطلوب دینی که در آن مردم و حکومت از حقوق تعریف شده‌ای برخوردارند و هیچ‌گونه اجحاف و تجاوزی نسبت به یکدیگر روا نمی‌نارند و چون در زمان حکومت یزید و حتی پیش از آن در زمان معاویه این معادله به هم ریخته و نظام اسلامی مبتنی بر کتاب و سنت از هم پاشیده بود و از اسلام تنها نامی باقی مانده بود لذا امام برای اصلاح این اوضاع دست به قیام زد. اگر کتاب شمس‌الدین را از ابتدا تا انتها ورق بزنیم توجه و تأکید بر جنبه سیاسی - اجتماعی امام (ع) در کلیه مراحل قیام امام به چشم می‌خورد و آن را نقطه اصلی بازشناسی و بازخوانی پرونده‌ی عاشورا می‌داند.

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که امام (ع) در رسیدن به اصلاح جامعه باید بدان می‌پرداخت و با اقدام منفی خود اذهان مردم را نسبت به آن روشن می‌ساخت عدم بیعت با یزید بود زیرا بیعت او با یزید نه تنها با اهداف اصلاح طلبانه‌اش منافات داشت، بلکه به معنای مشروعیت بخشیدن به نظام یزیدی تلقی می‌شد. لذا محمدمهدی شمس‌الدین می‌نویسد: «حسین (ع) می‌دانست مادامی که از بیعت خودداری کند حکومت یزید هرگز جنبه اسلامی و قانونی پیدا نخواهد کرد ولی اگر بیعت می‌کرد زنجیر ظلم و ستم جدیدی به نام حکومت یزید امت اسلامی را دربرمی‌گرفت و چنین حکومتی جنبه قانونی پیدا کند و این کاری بود که حسین (ع) هرگز آن را نمی‌پسندید.»^۵

ممکن است این سؤال به ذهن برسد که وضع زمان یزید کم و بیش در عصر معاویه جریان داشته پس چرا امام حسین (ع) در زمان معاویه قیام نکرد؟ محمدمهدی شمس‌الدین در جواب چنین سؤالی می‌نویسد: «به گمان قوی اگر حسین (ع) در زمان معاویه قیام می‌کرد، روشی که



است و مؤلف به طور غیرتخصصی به موضوع پرداخته است. شگفت اینجاست که مترجم محترم ادعا کرده است که مؤلف «با تحقیقات و مطالعات وسیع و دامنه‌دار خود، انقلاب امام حسین (ع) را از جوانب مختلف و به نحو بی‌سابقه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.»^۱ اولاً واژه‌ی بی‌سابقه به هیچ‌وجه نمی‌تواند صادق باشد زیرا برای تحلیل همه‌جانبه عاشورا اطلاعات همه‌جانبه لازم است و کم‌تر کسی توانسته این حادثه تو بر تو یا توجه به تمام جوانب آن‌را مورد بررسی قرار دهد! نگارنده که اندک اقدامی در این زمینه کرده است حداقل به ۱۰ رهیافت به عاشورا دست یافته است^۲ که با توجه به پیشرفت کم‌سابقه این رهیافتها عادتاً امکان دستیابی به آنها در یک محدوده خاص، برای فردی خاص ناممکن می‌نماید.

به علاوه کتاب برخلاف تحسین مترجم محترم از انسجام منطقی برخوردار نیست به گونه‌ای که با اندک نظری در فهرست آن را به این از هم‌گسیختگی می‌توان پی برد. مضاف بر این که مطالب حاشیه‌ای کتاب آن اندازه زیاد است که انقلاب حسین (ع) و ارزیابی آن کاملاً پنهان شده و خواننده بالاخره متوجه چنین ارزیابی نمی‌شود اگرچه در پایان ذکر انقلابهای جهان اسلام نشان از توفیق غیرمتعارف عاشورا در قرون و اعصار بعدی دارد.

به نظر می‌رسد که ذکر برخی از مطالب مربوط به دوران پس از رحلت رسول خدا (ص) لازم باشد اما تمام اینها باید مقدمه‌ای برای ورود به مبحث اصلی کتاب یعنی ارزیابی عاشورا (یا انقلاب عاشورا که اسم عربی آن گویای آن است [ثورةالحسین (ع)]) از صفحه ۲۱ کتاب تا صفحه ۱۲۵ به طور کامل به عصر پس از رحلت پیامبر (ص) اختصاص دارد و از صفحه ۱۲۶ (بخش دوم) بخش عمده مطالب به حکومت علی (ع) و حاکمیت معاویه دارد و تنها در صفحه ۱۶۹ به انگیزه‌های قیام حسین (ع) پرداخته شده است و تا صفحه ۱۸۶ ادامه می‌یابد. به علاوه در بخش سوم با عنوان آثار قیام مطالب نه چندان مربوط همچنان زیاد از حد به نظر می‌سد هرچند که این بخش در پای‌بندی به موضوع از توفیق بیشتری برخوردار است. اما در صفحه ۲۷۳ یکبار از موضوع خارج شده و به مبحث روش مورخان قدیم پرداخته شده است که ضرورت چندانی ندارد.

نکته آخر این که کتاب یک نگاه مشخص را دنبال نکرده، بلکه بیشتر به عمومیات عاشورا پرداخته است و قیام برای اصلاح و مبارزه با ستمگری دو شاخصه اصلی قیام شمرده شده است که چنین امری در اغلب کتب عاشورا و حتی در فرمایشات امام حسین (ع) آمده است و چندان نیاز به تفسیر معمولی و عمومی ندارد بلکه آرایه قرائت نوین و بدیع می‌تواند پیامی داشته باشد که اثر حاضر فاقد آن است. به نظر می‌رسد اگر این اثر فقط به روش تاریخی یا تحلیلی (به معنای معرفت‌شناختی آن) می‌پرداخت بیشتر در آرایه پیام امام حسین (ع)

موفق می‌شد تا در وضع کنونی.

البته علاوه بر موارد ذکر شده که بیشتر به مرحوم آیه‌الله شمس‌الدین، مؤلف کتاب برمی‌گردد، برخی موارد نیز به مترجم آن مربوط می‌شود. به نظر می‌رسد در ترجمه برخی عبارتها دقت لازم به کار نرفته و جملات نارسا می‌نماید^۳ و در مواردی نیز اثر دارای ضعف و پرستاری است.^۴

پانوشتها:

- ۱- ارزیابی انقلاب امام حسین (ع) ص ۱۸.
- ۲- همان.
- ۳- همان، ص ۱۹.
- ۴- مقدمه ارزیابی انقلاب امام حسین (ع) ص ۱۴.
- ۵- همان.
- ۶- ثورةالحسین (ع) صص ۱۷۷-۱۷۸ (با تلخیص و تصرف اندک).
- ۷- ثورةالحسین، ص ۱۶۹.
- ۸- ارزیابی انقلاب حسین (ع) ص ۲۰۵.
- ۹- ارزیابی انقلاب حسین (ع)، ص ۲۰۵.
- ۱۰- همان.
- ۱۱- مقدمه مترجم ص ۱۴.
- ۱۲- نک: فلسفه عاشورا از دیدگاه اندیشمندان جهان (تهران، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، بهار ۱۳۹۰).
- ۱۳- جهت آگاهی نک: ص ۲۲ بند ۲؛ ص ۴۸ بند ۱ و بند ۲؛ ص ۶۷ بند ۵ ص ۹۸ بند ۱ و ص ۱۰۴ خط ۱۱.
- ۱۴- نک: ص ۴۴، بند ۲.